

حادثه

انکار دوباره قتل مردموادفروش

● شرق: مردی که متهم است فردی موادفروش را به قتل رسانده، در حالی برای بازدوم پای میز محاکمه رفت که پزشکی قانونی اعلام کرد موهای کشف‌شده زیر ناخن‌های مقتول متعلق به متهم نیست. به گزارش خبرنگار مسا، متهم این پرونده که جوانی به نام سعید است، مرداد سال۸۹ برای خرید مواد به خانه دوستش فرهاد رفت و ساعاتی بعد به اتهام قتل او بازداشت شد. گزارش قتل فرهاد توسط همسایه‌های این مرد به پلیس اعلام شد. آنها گفتند: «ساعاتی بود از فرهاد خبری نبود چون او همیشه میهمان داشت، مظنون شدیم و وقتی وارد خانه‌اش شدیم جسد را دیدیم.» بررسی آثار برجامانده در محل جرم برای ماموران مشخص کرد متهم فردی موادفروش بوده که احتمالا قبل از قتل با شخصی درگیر شده بود. وقتی شاهدان مورد تحقیق قرار گرفتند مدعی شدند آخرین‌بار پربادی مقابل خانه مقتول پارک بود و راننده آن نیز بلافاصله از خانه خارج و به‌سرعت از آنجا دور شد. ماموران آخرین رفت‌وآمدهای مقتول را مورد بررسی قرار دادند و در این میان یکی از مشتریان او را به نام سعید شناسایی و بازداشت کردند. مظنون که ابتدا مقاومت می‌کرد بعد از چندین جلسه بازجویی به قتل اعتراف کرد و گفت: «من و فرهاد به‌دلیل مواد با هم درگیر شدیم و بعد من فرهاد را با چاقویی که دستم بود زدم.» گفته‌های سعید و شهادت شهود منجر به صدور کیفرخواست علیه متهم شد هرچند او در جلسه دادگاه قتل را انکار کرد اما رای بر قصاص صادر شد. حکم مورد اعتراض متهم و وکیل‌مدافعش قرار گرفت و آنها اعلام کردند به دلیل مدارکی که در پرونده موجود است باید رسیدگی با دقت بیشتری صورت می‌گرفت. عبدالصمد خرمشاهی، وکیل‌مدافع متهم در لایحه دفاعیه خود نوشت: اول اینکه در ناخن‌های مقتول تارهای مویی به‌دست‌آمده که آزمایش نشده متعلق به چه‌کسی است. ضمن اینکه متهم عنوان کرده ساعت‌هشت‌شب به خانه مقتول رفته و شاهدان گفته‌اند خودرو مشکوک را نیمه‌شب مقابل خانه مقتول دیده‌اند. نکته مهم دیگر اینکه متهم شاهدانی را به دادگاه معرفی کرده که از آنها بازجویی نشده و صحبت‌هایشان شنیده نشده است. دیوانعالی کشور حکم قصاص متهم را با توجه به این دلایل نقض و رسیدگی را به شعبه هم‌عرض محول کردند. شعبه دوم دادگاه کیفری استان قزوین روز گذشته رسیدگی به این پرونده را آغاز کرد. بعد از اینکه نماینده دادستان از کیفرخواست دفاع کرد و خواستار مجازات متهم شد، اولیای‌دم برای متهم درخواست قصاص مطرح کردند. سپس شهودی که متهم به دادگاه معرفی کرده بود به دستور قضات یک‌به‌یک در جایگاه حاضر شدند و به‌نفع سعید توضیحاتی دادند. گفته‌های شهود در حالی بود که نظریه پزشکی قانونی هم به‌نفع متهم است. در این نظریه آمده است موهای کشف‌شده در میان ناخن‌های متهم متعلق به یک زن است و کنده‌شدن موهای قاتل وضعیت تدافعی مقتول را نشان می‌دهد. سپس متهم در جایگاه حاضر شد تا در مورد سوالات قضات توضیح دهد. او در پاسخ به این سوال که چرا در خودرواش آثار خون وجود داشت، گفت: روز قبل از حادثه به شکار رفته بودم و خون متعلق به حیوان بود ضمن اینکه حضور در خانه مقتول را تکذیب نمی‌کنم. من برای خرید مواد رفته بودم اما از خانه او خارج شدم و درگیری‌ای هم بین ما رخ نداد. من این حرف‌ها را به ماموران هم گفتم اما باور نکردند. سپس خرمشاهی، وکیل‌مدافع سعید در جایگاه قرار گرفت. او گفت: مدارکی که نشان دهد موکل من قاتل است برای صدور حکم کافی نیست چراکه اولاً او اعلام کرده ساعت‌هشت در محل بوده درحالی‌که مقتول نیمه‌شب به قتل رسیده است. دوم اینکه فردی روز حادثه همراه موکل من بوده که از وی تحقیق نشده است. سوم اینکه مطابق نظریه پزشکی قانونی موهای کشف‌شده متعلق به یک‌زن است و این نشان می‌دهد مقتول قبل از مرگ با شخصی دیگر درگیر شده است. رای صادره قبلی به‌دلیل عدم قیاس باید بینه جوی داشته باشد حال آنکه در این رای بینه قوی وجود نداشته. بنابر این گزارش، قضات بعد از پایان جلسه رسیدگی، برای صدور رای وارد شور شدند.

دبیر فیزیک دبیرستانی در بروجرد با ضربات چاقوی یکی از دانش‌آموزان جان باخت. «محسن خشخاشی» دبیر فیزیک دبیرستان حافظی بروجرد، حدود ساعات۱۱ صبح روزشنبه برآثر اصابت ضربات چاقوی یکی از دانش‌آموزان پایاول این دبیرستان به شاهرگ گردنش، به بیمارستان شهید چمران بروجرد منتقل و حدود ساعت۲۰ فوت شد. دانش‌آموز ضارب متواری شده است و خانواده وی مدعی هستند او مشکلات روحی‌وروانی دارد اما این ادعا هنوز تأیید نشده است. پلیس بروجرد و استان، چند گروه ویژه را مامور پیداکردن متهم‌به‌قتل که ۱۵ساله است کرده و شماری از دانش‌آموزان حاضر در کلاس که شاهد این حادثه بودند نیز احضار شده‌اند. قربانی، مدیر روابطعمومی آموزش‌وپرورش لرستان با تأیید این

خبر گفت: متأسفانه این اتفاق ناگوار رخ داده و دلیل آن هم فعلا مشخص نیست. وی با بیان اینکه فعلا این دانش‌آموز دستگیر نشده است، گفت: درگذشت این مرحوم را به جامعه فرهنگیان استان تسلیت می‌گویم. در همین حال فرمانده انتظامی استان لرستان از کشف سرخ‌خ‌هایی برای دستگیری دانش‌آموز متهم‌به‌قتل خبر داد. سردارمحمد قنبری در این‌باره گفت: این حادثه صبح روزشنبه و در پی اختلافاتی که ناشی از مباحث درسی این دانش‌آموز و معلمش به وجود آمده بود رخ داد. فرمانده انتظامی لرستان گفت: متهم به‌زودی دستگیر خواهد شد و پرونده وی در دادگستری استان



دانش آموز متهم به قتل فراری است

در جریان است. وی این دانش‌آموز را مشغول تحصیل در مقطع اول دبیرستان اعلام کرد و گفت: متهم هنوز به سن قانونی نرسیده است. در همین حال رییس مرکز اطلاع‌رسانی و روابطعمومی وزارت آموزش‌وپرورش، از دستور وزیر آموزش و پرورش برای حمایت قضایی ویژه از خانواده مرحوم محسن خشخاشی معلم بروجردی خبر داد. علیرضا جدایی اظهار کرد: روزشنبه متأسفانه در حادثه‌ای باورنکردنی دانش‌آموز یکی از دبیرستان‌های شهرستان بروجرد، دبیر فیزیک مدرسه خود را مورد حمله قرار داد که بر اثر ضربه چاقوی این دانش‌آموز، معلم بروجردی در بیمارستان درگذشت.

کلاهبرداری با دلارهای «تام و جری»

به رییس شعبه بانکی در آن حوالی تحویل دهد اما شعبه تعطیل شده است. این فرد از صاحب رستوران خواست بسته دلارا را تحویل بگیرد و بانک رفت اما او گفت منتظر هیچ بسته‌ای نیست. درخواست موافقت کرد و پیش از تحویل‌دادن پول به پیک موتوری برای شمارش دلارها بسته را باز کرد و برخلاف انتظار، با تعدادی دلار تقلبی، با تصاویر تام و جری روبه‌رو شد. پیک موتوری در این هنگام از موضوع دلارهای تقلبی اظهار بی‌اطلاعی کرد و کاراکاهان بعد از شنیدن اظهارات مرد مالباخته تحقیقات را شروع کردند و شناسایی پیک موتوری را دستور کار قرار دادند. حدود یک‌هفته بعد در حالی که تجسس‌های پلیس هنوز به نتیجه مشخصی نرسیده بود، شخصی به رستورانی واقع در باب‌همایون مراجعه کرد و مدعی شد پیک موتوری است و باید بسته حاوی چندصددلار را

شعبه آشنا شوم.» مالباخته در ادامه درباره نحوه اطلاع از کلاهبرداری به کاراکاهان گفت: «فردای آن روز برای تحویل‌دادن بسته دلارها نزد رییس بانک رفتم اما او گفت منتظر هیچ بسته‌ای نیست. در حالی‌که هر دونفر کنجاکو شده بودیم، بسته دلارها را باز کردم. داخل بسته دلار وجود داشت اما نه دلار واقعی بلکه دلارهایی که روی آنها تصویر شخصیت‌های کارتونی تام و جری وجود داشت و از آنها در جشن تولد کودکان استفاده می‌شود.» بسته حاوی چندصددلار است که متعلق به رییس شعبه بانک نزدیک شماس‌ت اما به علت تعطیلی شعبه بانک نمی‌توانم آن را به رییس بانک تحویل بدهم.» پیک موتوری به این بهانه از من خواست بسته را تحویل بگیرم و پول او را ببردم. من چون فکر می‌کردم بسته واقعا متعلق به رییس بانک است این کار را انجام دادم تا از این طریق با رییس

گفت‌وگو با ۵عضوباند «کینگ»

بی گناهیم، ۶۰شاکی دروغ می‌گویند



عکس: شرق

بی‌دلیل اسم باند روی ما گذاشتند.

۴ بهمدیگر را از کجا می‌شناسید؟

محسن: با دونفر از اینها هم محلی هستم با دونفر دیگر در باشگاه آشنا شدم. یک‌ماه هم نمی‌شد با آنها آشنا شده بودیم. من بچه یاخچی آباد هستم و بقیه بچه صالح‌آباد و نازی‌آباد.

۴ یعنی بدون هیچ دلیلی شما را به زورگیری متهم کرده‌اند؟

محسن: من هفت یا هشت‌گوشی درذده‌ام، اما نه با این بچه‌ها.

محمد: اصلا این کاره نیستیم. من سربازم صبح ناراحت می‌شدن برای همین همه‌خال را زدیم. رضا: خالکوبی است دیگر، مگر چه عیبی دارد؟ همه دنیا هرچه دوست دارند می‌زنند، هرکسی هم که دوست ندارد نمی‌زند، کسی هم به آنها کاری ندارد.

بین این همه آدم فقط ما بدبخت شدیم.

۴ معنی «کینگ» را می‌دانستید؟

مرتضی: اول که این خال را کوبیدیم نمی‌دانستیم، اما بعد فهمیدم معنی پادشاه می‌دهد.

۴ برای خالکوبی چقدر پرداخت کردید؟

محسن: ۲۵هزارتومان.

۴ آیا از داشتن خال پشیمان شده‌اید؟

محسن: بله، همه پشیمان هستیم، به‌خاطر اینکه

محسن: در کارواش کار می‌کردم.

مرتضی: شیرینی‌پزی کار می‌کردم.

رضا: کتانی‌فروشی کار می‌کردم.

محمد: سرباز بودم و امروز مانده بودم، خدمت تمام شود.

۴ چقدر درس خوانده‌اید؟

محسن: همه دیپلم هستیم.

۴ چطور دستگیر شدید؟

محسن: در محل بودم که سراغم آمدند.

رضا: من زندان بودم، به‌خاطر دعوا چهارسال حکم دارم.

محمد: از کلاتری زنگ زدن و احضارم کردند.

از آنجا هم من را به آگاهی فرستادند. پرسیدم چرا؟

گفتند در آگاهی معلوم می‌شود. الان ۱۵روز است اینجا هستم هنوز معلوم نشده است.

۴ الان چه خواسته‌ای دارید؟

محسن: یکی باید به داد ما برسد.

مرتضی: هیچ‌کسی کمک‌مان نمی‌کند تا بیرون برویم.

سردسته نیستم

«علی سرهنگ» اکنون ادعا می‌کند، چنین لقبی ندارد و زورگیری نیز مرتکب نشده است.

آرایشگاه تایماز

– اصلاح مو طبق ژورنال

– ماسک مو، ویتامینه مو، صاف کردن مو، کراتینه مو

و رنگ مو

– گریم داماد به صورت تخصصی

نشانی: خیابان انقلاب، بعد از پل چوبی

خیابان نامجوی جنوبی، پلاک ۱۴۰

تلفن: ۷۷۶۲۵۸۲۷

همراه: ۰۹۱۳۷۹۸۸۴۰۳

حوادث

قتل معلم فیزیک در کلاس درس

وی افزود: براساس بررسی‌های اولیه صورت گرفته، این دانش‌آموز به همراه ولی خود به مدرسه مراجعه کرد و با مشاهده نمره درس فیزیک، به کلاس درس معلم خبر داد و خاطر‌نشان کرد: انتظار می‌رود مراجع معلم که در حال تدریس بود، رفت و با چاقو به وی حمله کرد. جدایی، از پیگیری این حادثه به‌صورت ویژه به‌منظور روشن‌شدن ابعاد قضیه و صیانت از حقوق این معلم خبر داد و خاطر‌نشان کرد: انتظار می‌رود مراجع انتظامی و قضایی نسبت به واکاوی ابعاد مختلف حادثه و پیگیری حقوق این همکار شایسته فرهنگی در کوتاه‌ترین زمان، اقدامات جدی به عمل آورند. جدایی تصریح کرد: به دستور وزیر آموزش‌وپرورش، معاونت حقوقی این وزارتخانه مامور شده است در همه مراحل رسیدگی به این پرونده، حمایت قضایی ویژه از خانواده مرحوم محسن خشخاشی انجام دهد.

شکایت تعدادی از کسبه منطقه با موضوع پرونده آشنایی کامل داشتند، به محل متهم اصلی پرونده در خیابان صوراسرافیل رفتند و «مجتبی» ۳۲ساله را دستگیر کردند. «مجتبی» پس از تشکیل پرونده به پایگاه هفتم پلیس آگاهی منتقل و مشخص شد او یکی از مجرمان سابقه‌دار در زمینه کلاهبرداری و صدور چک‌های بلامحل است. به این ترتیب مجتبی لب به اعتراف کشود و از کلاهبرداری‌های مشابه از کسبه محدوده‌های ناصرخسرو، بهارستان، جوادیه، میدان امام‌خمینی(ره) و... پرده برداشت و گفت: «در شش‌ماه گذشته با این شیوه، اقدام به ده‌ها فقره کلاهبرداری کرده است.»

سرهنگ داوودفر، رییس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: «با توجه به اعتراف صریح متهم به ده‌ها فقره کلاهبرداری و احتمال ارتکاب جرایم مشابه، برای او و متهم دیگر پرونده، قرار قانونی توسط بازپرس پرونده صادر شده و هر دو متهم برای انجام تحقیقات تکمیلی و شناسایی دیگر جرایم ارتکابی، در اختیار پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته‌اند.»

۴ اول درباره خالکوبی توضیح بده.

علی: در محل ما خیلی‌ها این خال را دارند. آن کسی که خال می‌زد دو، سه‌مدل بیشتر بلد نبود. ما این‌مدل را در اپتاپ او دیدیم، خوش‌مان آمد گفتیم این را از او بگیرند. هزارنفر مثل ما هستند که این خال را دارند.

۴ ستاره‌های سرهنگی روی شانه‌ات چطور؟

ستاره سرهنگی نیست. ستاره سرهنگی هشت‌پر است اما ستاره من سه‌پر است.

۴ چرا گوشه‌های چشم‌ت را خال کوبیدی؟

چشمم درد می‌کرد، گفتند خال بزنم خوب می‌شود.

۴ چند ماه است خال «کینگ» را زده‌ای؟

یک‌ماه. بازیکنان خارجی را دیده بودم که کلی خالکوبی دارند، دوست داشتم بروم خارج، خواستم شبیه آنها باشم.

شبهه آنها خالکوبی‌های شکم، سینه و کمر‌ت را هم

برای همین زدی؟

بله، دوست دارم خارج بروم. در خارج خالکوبی اشکالی ندارد.

۴ برای چه دوست داری از ایران بروی؟

زندگی و کار کنم.

۴ شغل چیست؟

بیکار بودم.

۴ چقدر درس خوانده‌ای؟

سیکل دارم.

۴ زخم‌های روی سروسرورت به چه دلیل ایجاد شده است؟

علی: با موتور تصادف کردم. قمه هم زده‌ام.

۴ تو هم اتهام زورگیری و تشکیل باند را قبول نداری؟

من شیطن‌ت و شرارت می‌کنم، اما اهل دزدی نیستم. سردسته باند هم نیستم.

۴ منظورت از شیطن‌ت و شرارت چیست؟

دعوا می‌کردم اما با بچه‌کارها و نه با مردم عادی.

۴ پس چطور ۱۰نفر تو را شناسایی کرده‌اند؟

الان هرکسی را جای ما بگذارند و از همین لباس بپوشانند و دستبند و پابند بزنند همه شایکان او را شناسایی می‌کنند. من پول شارژ گوشی هم نداشتم، اگر زورگیر بودم لاقال پول در جیبم بود.

نگاه

گروه‌های زورگیری و فرهنگ گانگستری



حافظ باجفلی
روانپزشک، استاد
دانشگاه ماهیدول تایلند

● خشونت گانگستری در بسیاری از کشورها به خشونت عادی و روزمره تبدیل شده است تاحدی که در برخی مناطق مانند کشورهای آمریکای مرکزی، فرهنگ گانگستری را ایجاد کرده است. پیدایش گروه‌های نوپایی مانند گروه «کینگ» در جامعه خودمان می‌تواند هشداری برای آسیب‌های جدی‌تر در آینده باشد. بنابراین واکاوی و تحلیل روانشناختی آن اهمیت زیادی دارد. گروه «کینگ» به معنای جرم‌شناسی آن، گروه سازمان‌یافته‌ای نیست بلکه گروه کوچک زورگیری است که از پنج‌دوست و بچه‌محل تشکیل شده است البته برخی از ویژگی‌های کلی گروه گانگستری را دارد و می‌توان آن را گروه گانگستری نوپا قلمداد کرد. باید توجه داشته باشیم به‌طورکلی نخستین قربانیان گروه گانگستری خود اعضای گروه و معمولاً دانش‌آموزانی هستند که با تهدید و ارباب و به‌زور وارد گروه شده‌اند و رییس گروه آنها را به رفتارهای خشونت‌آمیز مانند زورگیری، اجبار به برقراری رابطه جنسی و... وادار می‌کند. گروه‌های گانگستری معمولاً به این شیوه توسعه پیدا می‌کنند و بزرگ‌تر می‌شوند البته شیوه «یارگیری» در گروه‌های زورگیری کوچک مانند گروه «کینگ» بیشتر داوطلبانه است و کمتر مانند گروه‌های گانگستری بزرگ با اجبار و زور همراه می‌شود. اعضای گروه کینگ علت تشکیل چنین گروهی را محکم‌ترکردن «رفاقت» بین خودشان می‌دانند که البته از قبل با هم «بچه‌محل» بوده‌اند. مساله تعصب و دنباله‌روی کورکورانه در عالم رفاقت حکایتی ریشه‌دار در جوامع سنتی است که فرهنگ «جمع‌گرایی» بر آنها حاکم است و گاهی پیامدهای آسیب‌رسانی را ایجاد می‌کند. ورود به گروه گانگستری، چه داوطلبانه باشد چه اجباری، پس از مدتی «احساس تعلقی» را که عضویت در هرگروهی ایجاد می‌کند به‌همراه دارد. این یکی از جدی‌ترین خطرات چنین گروه‌هایی است. «هماندسازی با متخاصم» یکی از سازوکارهای دفاعی است که در این افراد شکل می‌گیرد. یعنی با اینکه خودشان قربانی هستند و به اجبار به گروه پیوسته‌اند پس از چندی با متخاصم که اینجا رییس گروه است همانندسازی می‌کنند و شبیه او می‌شوند. این افراد «ارده‌شدگان اجتماعی» هستند، یعنی معمولاً پدر و مادر حمایت‌کننده و دوستان سالم ندارند، وضعیت اقتصادی‌شان خوب نیست و متعلق به هیچ گروه ورزشی یا فرهنگی‌ای هم نیستند. تنها امید آنها برای داشتن هویت اجتماعی همین گروه زورگیری است که در آن عضو هستند. این افراد هرچقدر زمان بیشتری عضو گروه باشند، دل‌نندشان از گروه دشوارتر می‌شود. ویژگی دیگر چنین گروه‌هایی این است که اسم و علامت ویژه دارند که یا آن را خالکوبی می‌کنند یا طرح آن را روی لباسشان می‌کشند. همچنین آنها رییسمشان را با اسم‌های مستعار خاصی صدا می‌زنند. همبستگی بین اعضای گروه کینگ، خالکوبی‌کردن نام گروه روی دستشان و داشتن یک‌رییس با نام مستعار سرهنگ با خالکوبی نشان سرهنگی روی شانه‌اش، همه از همبستگی و دنباله‌روی کورکورانه بین آنها حکایت دارد که ویژگی مشترک چنین گروه‌هایی است. از منظر روانپزشکی بزرگ‌ترین تهدید شکل‌گیری چنین گروه‌هایی برای جامعه همین احساس تعلق و دنباله‌روی کورکورانه است که بدون ذره‌ای فکری با مطالعه یا مشورت در اعضای گروه اتفاق می‌افتد. هدف اصلی این گروه‌های خیابانی بیشتر کسب سود مادی و تمام رفتارهای مجرمانه آنها، از دزدی و زورگیری گرفته تا قتل و تجاوز، برای بالابردن سرمایه، «اعتبار» و «شهرت» گروه است. ویژگی دیگر این گروه‌ها اثر تشدیدکنندگی جرم است؛ به‌دلایل مختلف افراد وقتی عضو یکی از این گروه‌ها باشند جرم‌های بیشتر و شدیدتری می‌کنند. به زمانی که عضو گروه نبودند مرتکب می‌شوند. ویژگی دیگر آنها ماندگاری گروه است؛ ماندگاری یک‌گروه گانگستری بیشتر از ماندگاری تک‌تک اعضای آن است. به‌عنوان مثال اگر یکی از این اعضا زندانی شود حتی اگر پس از ۱۰سال هم آزاد شود و به خانه‌اش برگردد، اعضای دیگر گروه منتظرش هستند و فرصت‌های جرم را برای او مهیا می‌کنند. مطالعات جرم‌شناسی نشان داده دستگیری و زندانی‌کردن مکرر اعضای یک‌باند تا زمانی که گروه به فعالیت خود ادامه می‌دهد تأثیر چندانی ندارد. از طرف دیگر برای این افراد زندان لزوماً جای بدی نیست. پیدایش چنین گروه‌هایی رنگ‌خطری جدی است. بنابراین دولت باید برای جلوگیری و کنترل این گروه‌ها به واقع‌گرایانه‌ترین و کارشناسانه‌ترین شکل ممکن اقدام کند. در این راستا مددکاران اجتماعی می‌توانند کمک شایانی کنند. مهم این است که با وجود جرم‌های متعددی که این افراد مرتکب شده‌اند، آن‌ها را به چشم انسانی ببینیم که مرتکب خطا شده‌اند و برای ادغام‌شدن در جامعه به کمک ما نیاز دارند. در غیر این صورت آنها پس از آزادی از زندان رفتارهای مجرمانه را از سر می‌گیرند و ما با مجازات‌های مقطعی کاری از پیش نمی‌بریم و خودمان را وارد یک‌دور باطل می‌کنیم.